شهرآرا
کوله پشتی
۳شنبه
۲۷اردیبهشت۱۴۰۱
۱۵ شوال ۱۴۴۳
شماره ۳۶۶۶

صاحب‌امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیر عامل:
سیّد میثم موسوی مهر
سردبیر:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمائم:
سیّد جواد اشکذری
دبیر ضمیمه:
طیبّه سادات ثابت

پست الکترونیک:
sabet@shahrara.com
نشانی سایت:
shahraranews.ir/fa/kids
تلگرام روزنامه:
۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰
نشانی:
میدان شهدا
نبش دانشگاه ۱
دفتر مرکزی:
۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
توزیع و امور مشترکین:
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
داخلی ۵۱۹ و ۵۲۰

تا زنده‌ایم، رزمنده‌ایم

طیّبه ثابت

پلک اول. درست چند روز پیش بود که تصویر روی بیلبورد، خبری تازه در شهر امام رئوف، حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا(ع) را به همه نوید می داد؛ اجتماع عظیم سلام فرمانده تجدید بیعت دهه هشتادی ها و دهه نودی ها با امام عصر(عج)؛ لبّیکی به رنگ پیمان شهدا؛ به رنگ وفاداری همه ی آنانی که جانشان را برای ایران و دینشان فدا کردند.

زمان و مکان وعده، ۲۶ اردیبهشت، ساعت ۱۷ در عرصه ی میدان شهدا بود. با خودم گفتم چه خوب! حالا همه به صحنه می آیند تا نشان دهند «ما اهل کوفه نیستیم/ علی تنها بماند». نسیم اردیبهشت خبر پویش بزرگ «سلام فرمانده» را به عاشقان رساند و روز موعود فرا رسید.

پلک دوم. اینکه بخواهی به مهمانی ای بروی که میزبان حقیقی اش امام زمان(عج) باشد، شوق و شوری را در جانمان انداخته بود که گرمای هوا را در میان آن همه جمعیّت نمی فهمیدیم. تعدادی از بچّه های انجمن ادبی کوله پشتی و همکارمان، خانم کرمی، در کرانه ی دریایی از محبّت ایستاده بودیم. غرفه ی کوله پشتی روزنامه درست روبه روی یادمان شهدای گمنام بود. پژواک صدای این همه دل که یک صدا سرود وفاداری را هم سرایی می کردند، هر تماشاگری را تحت تأثیر قرار می داد: «سلام فرمانده... سلام فرمانده... سلام از نسل غیور جامانده...»

پلک سوم. دسته های دانش آموزان که به عرصه ی میدان شهدا می رسیدند، گویا تازه نفسان لشکر خراسان به خطّ مقدّم میدان می رسیدند. نگاه می کردیم و می دیدیم هر گروه که آمد، یک نشانه با خود داشت و اخلاصی که در چشم هایشان مانند مدالی می درخشید. همه ی دهه هشتادی ها و دهه نودی هایی که آمدند، برای یک اصل مهم آمدند و آن اصل این بود که نظام جمهوری اسلامی خطّ قرمز ماست. ما در کنار رهبریم و هنوز به معمار بزرگ انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی(ره) و آرمان هایش که رساندن حکومت به دست حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) است، وفاداریم و در همه ی لحظه ها پای مکتب حسینی می مانیم. ما به شهدا بدهکاریم و از ارزش هایمان با خون و جان پاسداری می کنیم.

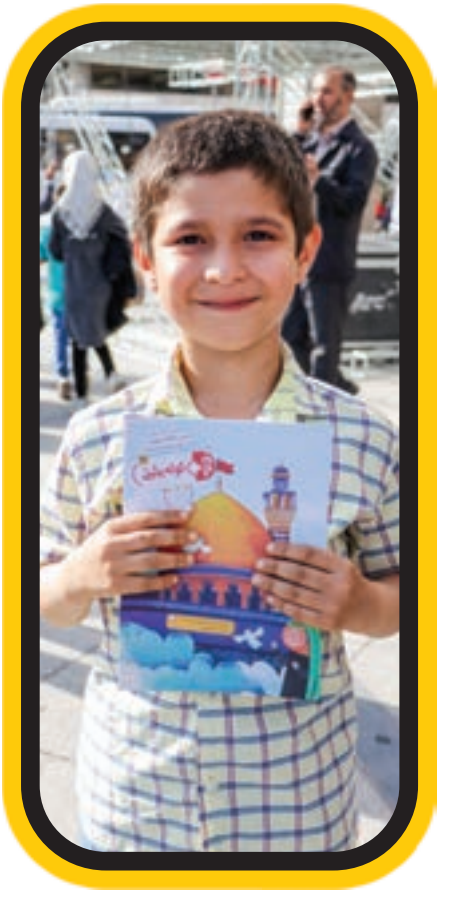

حاشیه‌هایی رنگی و ماندگار

«سلام فرمانده» برای «کوله پشتی» ها شیرینی دو چندان داشت؛ ۲۵۰ همراه تازه نفس به جمع ما افزوده شدند

پرنیان کرمانشاهی: جمعیّت در میدان شهدای مشهد و اطرافش چنان زیاد شده است که جای سوزن انداختن نیست و تابش سوزان آفتاب بعدازظهر و گرمای هوا را بیشتر حس می کنیم. همه ی دانش آموزان به اتّفاق بزرگ ترهایی که همراهی شان می کنند، مشغول اجرای سرود هستند و حال و هوای میدان شهدا را شیرین و آهنگین و شورانگیز کرده اند.

پناهگاه کوله پشتی

در غرفه ی کوله پشتی نیز جمعی از اعضای انجمن ادبی ما با حرارت در تکاپو هستند و با معرّفی نشریه به کودکان و نوجوانان حاضر در میدان، ضمن تقدیم یک نشریه به هر یک از آن ها، در حال عضوگیری برای کارگاه های آموزشی نویسندگی و باشگاه مخاطبان هستند.

گرمای سوزان امّا کم کم بچّه ها و بزرگ ترها را به سنگر استوار کوله پشتی می کشاند. بچّه های کوله پشتی با مهربانی همان چند بطری آب معدنی خود را هم به رهگذران می بخشند و صندلی هایشان را برای استراحت آنان در اختیارشان می گذارند.

نوای «سلام فرمانده» در غرفه ی کوله پشتی

با آغاز هم خوانی سرود «سلام فرمانده»، دانش آموزان دبستان عاشورا که از گرما و شلوغی در غرفه ی کوله پشتی پناه گرفته اند، در همان مکان با دیگران هم خوان می شوند و صحنه ای ماندگار به جا می گذارند.

در انتظار کوله پشتی

بچّه ها با ذوقی بسیار، برای گرفتن نشریه ی کوله پشتی جلو غرفه صف بسته اند. یک دور نشریه ها تمام می شود و دوباره از سوی روزنامه دسته ای دیگر می رسد که باز هم به دست مشتاقانش می رسانیم. با اینکه نشریه ها تمام شده اند، بچّه ها تا پایان مراسم منتظر می مانند تا شاید کوله ای به دستشان برسد.

نجات جامانده

کودکی از دبستان شهید بحرانی با بغض به ما مراجعه می کند و می گوید از دوستان هم مدرسه ای اش جدا مانده است. با دوستانش تماس می گیریم، در دسترس نیستند. مراسم رو به پایان است. با خودمان به روزنامه می آوریمش و در نهایت با همکاری یکدیگر او را به دست بزرگ ترهایش می رسانیم.

یاران جدید کوله پشتی

در پایان مراسم با همکاری اعضای انجمن ادبی کوله پشتی، ۲۵۰ عضو و همراه جدید به جمع دوستداران و مخاطبان این نشریه ی دوست داشتنی اضافه می شوند.